



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

تحلیل عملکرد کوفیان
قیام امام حسین (ع)
در

کربلا

محمد علی چلو نگر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تحلیل عملکرد کوفیان در قیام امام حسین (ع)

نویسنده:

محمدعلی چلونگر

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	تحلیل عملکرد کوفیان در قیام امام حسین (ع)
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	کوفه از تأسیس تا قیام کربلا
۶	اشاره
۷	ترکیب جمعیت کوفه از نظر نژادی و عقیدتی
۷	نژادی
۸	عقیدتی
۸	شیعیان موجود در کوفه شامل دو دسته می‌شدند
۸	اشاره
۸	شیعیان سیاسی
۹	شیعیان اعتقادی
۱۰	ویژگی‌های روحی و خلیات کوفیان
۱۱	نقش رئیسان و اشراف قبایل کوفه
۱۳	وابستگی کوفیان به مقررری و عطا
۱۳	نتیجه
۱۴	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

تحلیل عملکرد کوفیان در قیام امام حسین(ع)

مشخصات کتاب

عنوان: تحلیل عملکرد کوفیان در قیام امام حسین (ع)
 پدید آورندگان: چلونگر، محمدعلی، ۱۳۴۱- (پدید آور)
 وضعیت نشر: قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷
 نوع: متن
 جنس: مقاله
 الکترونیکی
 زبان: فارسی
 توصیفگر: قیام عاشورا
 کوفه

مقدمه

شهر کوفه از زمان امام علی (ع) از سال ۳۶ هجری که به آن نقل مکان کرد و حتی زودتر از آن مرکز اصلی نهضت‌ها، الهامات امیدها و بعضی اوقات کوشش‌های هماهنگ شیعیان شد. در داخل و اطراف کوفه بسیاری از حوادث آشفته که تاریخ صدر تشیع را می‌سازد، واقع گردید. حوادثی نظیر تجهیز قوای امام علی (ع) برای جنگ‌های جمل و صفین قیام حجر بن عدی و قیام امام حسین از جمله آنان است در کنار آن‌ها، کوفه جایگاه موانع ناامیدی‌ها، محرومیت‌ها و حتی خیانت و شکست آرزوهای شیعیان از طرف کسانی بود که نمی‌توانستند خاندان علوی (ع) را در فرمان‌روایی جامعه اسلامی ببینند. بررسی اوضاع اجتماعی و خاص حاکم بر آن علل عدم موفقیت ظاهری امام حسین (ع) را روشن می‌کند. مهم‌ترین حادثه‌ای که در تاریخ تشیع ارتباط مستقیمی با کوفه دارد، قیام کربلا است کوفیان جزو دعوت‌کنندگان امام حسین (ع) بودند و از طرف دیگر لشکری که امویان در روز عاشورا برای کشتن امام (ع) بسیج کردند، همه از آنان بود. این مقاله در پی پاسخ به این عمل‌کرد متضاد کوفیان در برخورد با قیام کربلا است در این مقاله برای مردم‌شناسی کوفه در زمان قیام کربلا، پیشینه کوفه بافت جمعیتی از نظر نژادی و عقیدتی روحیه کوفیان و نقش اشراف و رؤسای قبایل بررسی و تحلیل شده است آن چه در زمان قیام امام حسین (ع) در کوفه اتفاق افتاد، جدای از پیشینه شهر و عمل‌کرد قبلی کوفیان نیست و بدون بررسی پیشینه کوفه محقق نمی‌تواند، تحلیل جامعی از مردم‌شناسی کوفیان در قیام امام حسین (ع) به دست آورد.

کوفه از تأسیس تا قیام کربلا

اشاره

کوفه را سعد بن ابی وقاص در سال هفدهم برای جای دادن لشکریان ساخت در آغاز کار غرض از ساختن آن فراهم کردن جایی برای سکونت سربازان بود، اما دیری نگذشت که گروهی از اصحاب پیامبر (ص) و دیگر مردم بدان شهر روی آوردند. هر چه دامنه فتح در شرق گسترش می‌یافت دسته‌های بیشتری از مردم سرزمین‌های فتح‌شده به کوفه می‌آمدند. امام علی (ع) پس از غلبه بر پیمان

شکنان جمل از بصره به کوفه رفت و آن شهر را مرکز خلافت خویش کرد و تا پایان عمر به مدینه بازنگشت برخی از عواملی که موجب شد، امیرمؤمنان علی (ع) کوفه را مرکز خلافت برگزیند، عبارتند از: ۱- حضور بسیاری از اصحاب رسول الله (ص) در این شهر که در هیچ یک از شهرهای دیگر به این تعداد نبودند. در جنگ صفین دو هزار و شش صدتن از صحابه مقیم کوفه همراه امام (ع) بودند. ۲- موقعیت خاص نظامی این شهر، در برابر شام و سرکشی معاویه ۳- حضور نام‌آورترین قبایل و شخصیت‌های مسلمان از شهرهای حجاز، یمن و دیگر شهرها در کوفه ۴- بی توجهی و عدم علاقه مردم دیگر شهرها به اهل بیت (ع). ۵- از نظر جغرافیایی در قلب جهام اسلام آن روزگار جای داشت و بر ایران حجاز، مصر و جزیره مسلط بود. از زمان ورود امام علی (ع) به کوفه این شهر اهمیتی خاص یافت کوفه تا زمان شهادت امیرمؤمنان (ع) به سال چهارم هجری مرکز تحولات نظامی سیاسی و اجتماعی جهان اسلام بود. سرکشی کوفیان از رویارویی با لشکریان معاویه غارت‌های ضحاک بن قیس نعمان بن بشیر، سفیان بن عوف غامدی از جمله وقایعی است که به کوفه و کوفیان مربوط می‌شود. بعد از شهادت امام علی (ع)، کوفیان با امام حسن (ع) بیعت کردند. سستی مردم کوفه در برابر ترندهای بنی امیه از عواملی بود که امام حسن (ع) مجبور به صلح با معاویه شد پس از آن که امام حسن (ع)، صلح کرد و کوفه را ترک کرد، خاطر معاویه از درگیری با سپاهی منظم در عراق آسوده شد. در این دوران معاویه تا آن جا که توانست از آزار کوفیان دریغ نکرد. بسیاری از مردم دین دار را با مکر و حيله و دادن امان به دام انداخت و سپس بر خلاف مسلمانی دستور کشتن آنان را داد و چه بسیار تحقیرها که در حضور شامیان بر بزرگان کوفه روا نداشت اندک اندک کوفیان از تحمل این همه ستم و تحقیرها به جان آمدند و همین که معاویه مرد، کوفیان احساس کردند، فرصتی مناسب برای اقدامی تازه به دست آمده است در این موقعیت تنها ایالتی که سرنگونی رژیم اموی را می‌خواست و برای اجرای این منظور عملاً دست به کار شد، کوفه بود. نامه‌های زیادی برای امام حسین (ع) نوشته شد و از او دعوت شد که به طرف کوفه حرکت کند. امام براساس خواست مردم کوفه به طرف آن شهر حرکت کرد ولی اکثر کوفیان برخلاف نامه‌ها خویشان به امام خیانت کردند و وی را در مقابل امویان تنها گذاشتند.

ترکیب جمعیت کوفه از نظر نژادی و عقیدتی

نژادی

ترکیب جمعیتی کوفه در بعد نژادی از دو گروه بود: عنصر اول عرب‌ها که نزاری و یمنی بودند. ترکیب عنصر عرب در کوفه بیشتر از هر شهر عربی دیگر، پیچیده بود. بادقت در فهرست گروه‌های قبائلی عرب و امواج متوالی تازه واردان متوجه می‌شویم که عنصر عرب در این شهر فوق العاده در اصل و زمینه نامتجانس بوده است در میان خود گروه‌های نزاری و یمنی دسته‌بندی‌های گوناگون وجود داشته است عنصر اساسی دیگر جمعیت کوفه موالی بود که عمدتاً ایرانی‌ها بودند. عوامل فراوانی برای به حساب آوردن این جریان عظیم که در کوفه بیشتر از دیگر شهرها وجود داشتند، بود. این گروه از دوران فتوحات به بعد در این شهر ساکن شدند. حدود چهار هزار نفر از ایرانیان که معروف به دیالمه بودند در بین عرب‌ها وجود داشتند که از آغاز تأسیس کوفه در این شهر اقامت گزیدند و بعد از آن تعداد آنان رو به گسترش نهاد. اعراب رفتاری متفاوت با گروه‌های موالی داشتند. موالی ایرانی از موقعیت مساوی با شهروندان عرب در نظام اجتماعی شهری برخوردار نبودند. آنان را موالی یا گماشتگان می‌خواندند؛ اصطلاحی که دلالت بر مرتبه پایین پایگاه اجتماعی داشت با وجودی که اینان در صحنه‌های نظامی نقش فعالی داشتند - به جز زمان امام علی (ع) - حقوق آنان مورد توجه نبود. برخورد دون پایه اشراف عرب با آنان موجب شده بود که نفرتی بین آنان و اشراف عرب به وجود آید. توجه امام علی (ع) به حقوق آنان موجب گرایش آنان به خاندان علوی شد. الغارات می‌نویسد: «در روز جمعه‌ای امام

علی (ع) بر روی منبری آجری خطبه می‌خواند، اشعث بن قیس کندی از اشراف یمنی به نزد امام آمد و گفت این سرخ رویان (ایرانیان جلوی تو بر ما غلبه کرده‌اند و تو جلو اینان را نمی‌گیری سپس در حالی که خشم گین شده گرفته بود، گفت من امروز نشان خواهم داد که عرب چه کاره است امیرمؤمنان (ع) فرمود: این شکم گنده‌ها خودشان روزها در بستر نرم استراحت می‌کنند، و آنان (موالی ایرانی روزهای گرم برای خدا فعالیت می‌کنند و آن گاه از من می‌خواهند که آنان را طرد کنم تا از ستم کاران باشم) این گونه برخوردها رابطه نزدیکی بین موالی کوفه و اهل بیت ایجاد کرد. این موالی نقش برجسته‌ای در تاریخ سیاسی مذهبی کوفه به خصوص در نهضت‌های شیعه ایفا کردند.

عقیدتی

ترکیب جمعیتی کوفه در بعد عقیدتی شامل گروه‌های خوارج هواداران بنی امیه بنی تفاوت‌ها و شیعیان بود. خوارج از زمان رویارویی صفین به این نام خوانده شدند و مخالفتشان را هم از زمان امیرمؤمنان (ع) و پس از آن بی‌درنگ آشکار کردند. هواداران بنی امیه معمولاً از اشراف قبایل بودند. اینان در ساختار قدرت رسمی عراق واسطه حاکمیت بنی امیه و جمعیت قبیله‌ای بودند. آنان علاقه‌مند به نگه‌داری و برقراری موقعیت‌های سیاسی و امتیازات و انحصارات اقتصادی بودند و هر موقع که احساس می‌کردند، حمایت از اهل بیت (ع) این موقعیت آنان را مورد تهدید قرار می‌دهد، به طرف بنی‌امیه متمایل می‌شدند. آنان در بنی‌امیه تأمین موقعیت‌های ممتاز و منافع بی‌شمار خود را می‌دیدند. مراحل شکل‌گیری تشیع و خوارج در پیوند مخالفتشان با نظم قبیله‌ای موجود بود.

شیعیان موجود در کوفه شامل دو دسته می‌شدند

اشاره

الف برخی از «نخستین مهاجران به کوفه که از هواداران امیرمؤمنان (ع) بودند. اینان نقشی در حکومت یا سازمان قبیله‌ای نداشتند؛ از این جمله حجر بن عدی کندی است که کاملاً تحت الشعاع اقتدار محمد بن اشعث کندی است ب «مهاجران جدید» که تا زمان امام علی (ع) به کوفه نیامده بودند. اینان به امید بهبودی وضعشان در برابر قدرت قبیله‌ای مسلط ایستادگی می‌کردند. بعضی از دسته‌هایی که در آغاز از پر شورترین حامیان امیرمؤمنان ظاهر شدند و بعداً حمایت خود را از امام حسین (ع) نشان دادند، از این گروه بودند. شیعیان در صد قابل توجهی از کوفیان را تشکیل می‌دادند. ابوالفرج اصفهانی می‌نویسد: «وقتی زیاد در بصره بود، حجر و یارانش در مسجد، یک سوم و یا نصف آن را اشغال کرده و به مذمت و بدگویی معاویه می‌پرداختند.» این مسئله نشان از گروه قدرت‌مندی از شیعیان در بین کوفیان داشت این شیعیان به دو دسته تقسیم می‌شدند:

شیعیان سیاسی

که اکثر شیعیان کوفه از این دسته بودند. آنان از امام علی (ع) و بعد از آن از فرزندش امام حسین (ع) به جهت ملاحظات سیاسی و اقتصادی حمایت کردند. حمایت آنان از علویان به برای دشمنی با استیلای شامیان بود. در واقع آنان فقط در مسائل سیاسی همراهی معینی با اولاد علی (ع) داشتند. این گروه از توده‌های وسیع کوفی و اکثر از قبایل یمنی و موالی غیر عرب به شمار می‌آمدند که ظاهراً متمایل به آرمان‌های رهبری شیعیان بودند، ولی از مواجهه با هر خطری که امکان وقوع آن وجود داشت پرهیز می‌کردند. هرگاه امید موفقیتی در یکی از افراد اهل بیت (ع) می‌دیدند، با شور و هیجان در اطراف او جمع می‌شدند و زمانی که امیدهای

موفقیت رو به زوال می‌گذاشت او را رها می‌کردند. آنان فاقد شجاعت و شهامت لازم یا ثبات قدم در مرحله امتحان بودند. این دسته در حوادث زمان امام علی (ع)، صلح امام حسن (ع)، قضیه مسلم بن عقیل و امام حسین (ع) چون قدرت سیاسی نظامی بنی امیه را برتر احساس کردند، از اطراف اهل بیت (ع) پراکنده و بعضاً دسته دسته به سوی بنی امیه فرار کردند.

شیعیان اعتقادی

یعنی آنان که به امامت امام علی (ع) و فرزندانش از طریق نص قائل بودند و امامت و رهبری مسلمانان را بعد از پیامبر(ص) از طریق وحی الهی و خاندان پیامبر(ص) می‌دانستند. اینان خود را تسلیم وجود مقدس امام علی (ع) و فرزندانش معصوم او کرده بودند. این گروه نسبت به دسته اول کمتر بودند. به فرموده امام باقر (ع) در میان یاران امام علی (ع) و بیعت کنندگان کمتر از پنجاه نفر معرفت حقیقی نسبت به او و مقام امامت او داشتند. این گروه کم‌شمار با ارادتی خالصانه برای گسترش تشیع در کوفه بسیار کوشیدند. کوفیان گرچه با خیانت به امام حسین (ع)، ننگی ابدی برای خویش خریدند، اما توجه امام حسین (ع) به کوفه در بین ایالات مختلف اسلامی نشان دهنده آن است که ارادت مندان راستین اهل بیت (ع) تنها در کوفه بوده‌اند، چنان که شهیدان رکاب آن حضرت در کربلا، شماری چشم‌گیر کوفی بودند. کوفیانی که از امام حسین (ع) بعد از مرگ معاویه بن ابی سفیان برای رفتن به شهرشان دعوت کردند، تنها از شیعیان اعتقادی و راستین نبودند، بلکه از همه گروه‌هایی که نام بردیم بودند. اکثر دعوت کنندگان با توجه به بافت جمعیتی اعتقادی شهر از گروه‌های غیر شیعی اعتقادی بودند. تصویری که از مردم و اوضاع کوفه در آستانه خلافت یزید می‌توان به دست آورد، آن است که چون برای مردم کوفه از جهت ملاحظات سیاسی اقتصادی و مذهبی حکومت بنی امیه و شخص یزید تحمل نکردنی بود، با مرگ معاویه بن ابی سفیان و روی کار آمدن یزید شروع به مخالفت کردند. آغاز این مخالفت از جانب شیعیان کوفه بود. به دنبال مخالفت شیعیان دسته‌جات دیگر کوفیان هم که جانشین مناسبی برای یزید نداشتند، بر اثر جو عمومی به وجود آمده امام حسین (ع) را برگزیدند و همراه هواداران شیعی حسین بن علی (ع) شدند. در کنار اظهار علاقه شیعیان به آمدن امام (ع) به کوفه کسانی که موقعیت خود را در خطر می‌دیدند، تحت تأثیر روش دیگر مردم اظهار حمایت از حسین بن علی (ع) کردند. جوی به جهت خلاص سیاسی پس از مرگ معاویه در کوفه ایجاد شده بود که بنی امیه نیز نتوانستند جای آن را پرکنند. در واقع همه کسانی که امام (ع) را به کوفه دعوت کردند و آن دوازده یا هیجده هزار نفری که با فرستاده‌اش مسلم بن عقیل بیعت کردند، احساس مذهبی نداشتند، بلکه به دلایل سیاسی هوادار خاندان رسول الله (ص) شده بودند، این نکته در درک روحیه مردم کوفه در برخورد با قیام کربلا، حتماً باید مورد نظر قرار گیرد. کوفیان صدها نامه به امضاهای گروهی به سوی حسین بن علی (ع) فرستادند و وقتی که مسلم بن عقیل به کوفه رسید، در اطراف او گرد آمدند، ولی این اقدام برای اکثر آنان بیان آرزوهایشان یعنی سقوط استیلای شامیان بر کوفیان معنا می‌داد. اهدافی که به نظر آنان در آن موقعیت زمانی دسترسی به آن فقط از طریق امام حسین (ع) ممکن بود. این وضعیت با وجود حاکم سهل‌گیری مثل نعمان بن بشیر گسترش یافت مردم بر اثر عدم شدت عمل حاکم کوفه و جو ایجاد شده به راحتی اظهار هواداری از امام کردند. عوض شدن حاکم و جای‌گزین شدن عبیدالله بن زیاد که مردم کوفه و روحیات آنان را خوب می‌شناخت و به سیاست ماهرانه و مکارانه‌اش معروف بود، اوضاع را به کلی تغییر داد. اتخاذ اقدامات شدید و افراطی ابن زیاد، به منظور سرکوبی نهضت کوفیان بسیاری از آنان را به هراس افکند و کسانی که زود و عجولانه تصمیم‌گیری می‌کردند، خود را از ناحیه ابن زیاد، در معرض خطر دیدند. بر اثر تهدید وی مبنی بر آمدن قریب الوقوع از شام افرادی که روی ملاحظات سیاسی اقتصادی و نه اعتقادی از امام دعوت کرده بودند، خود را به کلی باختند و عقب‌نشینی کردند، ویژگی عدم قاطعیت کوفیان بر افکار سیاسی‌شان چیره شد. از این رو، آنان خود را به واقعیت موجود تسلیم کردند و حاضر نشدند، خود را به مخاطره بیندازند. اشراف قبیله‌ای که اکنون اطمینان به حکومت اموی کوفه داشتند و تثبیت امویان را آشکار می‌دیدند، به حمایت

از امویان پرداختند. ابن زیاد برای سرکوبی قیام از آنان سودجست و آنان را نزد قبایل خود فرستاد تا مردم را از اطراف مسلم پراکنده کنند. این بزرگان به میان مردم رفتند و آنان را پراکنده کردند، بسیاری از مردم که مخالفت با رؤسای قبایل را چندان به مصلحت نمی‌دیدند، از اطراف مسلم پراکنده شدند. وقتی که مسلم به قصر ابن زیاد حمله کرد، همین اشراف با تهدید و تطمیع یاران او را به حداقل رساندند و قدرت خود را بر مهار مردم خویش نشان دادند. در مقابل آنانی که به حسین بن علی (ع) پشت کردند، گروه کوچکی از کوفیان بودند که از نهضت نواده پیامبر(ص) خالصانه و با احساسات عمیق مذهبی حمایت می‌کردند. این گروه به مجردی که خبر ورود امام (ع) را به کربلا شنیدند، بر رغم وجود همه موانع به هر طریقی ترتیب رساندن خود را به کربلا دادند. آنان جان خود را در مقابل امام حسین (ع) و یا هرکس از اعضای خاندان آسیب دیده او نهادند. عده‌ای از این دسته به جهت دستگیر شدن و یا راه بندان و مراقبت شدید جاده‌ها، نتوانستند در کربلا حضور یابند.

ویژگی‌های روحی و خلقیات کوفیان

آن چه که مردم این شهر در برخورد با قیام امام حسین (ع) از خود نشان دادند، برگرفته از خلقیات و ویژگی‌های روانی آنان بوده است بدون بررسی و شناخت روحیات کوفیان نمی‌توان علل این گونه عکس العمل آنان را متوجه شد. آنان مردمی پر احساس و گرم بودند تا موقعی که خطر پیش نمی‌آمد، جسور به نظر می‌آمدند، زبان و عمل ظاهرشان دو تا بود و اعتماد به نفس آنان کار مشکلی بود. ظاهرشان خوب و دل فریب اما دل‌های آنان آلوده و پر از نیرنگ بود. تاریخ به خوبی شاهد این مطلب است مردم این شهر در مقاطع مختلف مواضع متفاوتی داشتند. ترکیب قبایلی شهر بر این تغییر مواضع سریع مؤثر بود. حساسیت‌های قبیله‌ای آنان را گرفتار روحی تندخویانه کرده بود، به طوری که با دیدن حادثه‌ای مقطعی تصمیم می‌گرفتند. این تصمیمات عمدتاً در جهت منافع قبیله‌ای آنان بود و سبب عدم یک‌پارچگی کوفیان می‌شد، چیزی که بنی امیه بارها از آن بهره گرفتند. روحیه ترس و وحشت از دشمن و خود باختن در مقابل نیروی مخالف از ویژگی‌های دیگر آنان بود. این مسئله همیشه در شکست‌ها و مغلوب شدن‌ها اثر مهمی داشته است دست خوش احساسات تند شدن پذیرش تحریک آنی عاقبت نیندیشی اخذ تصمیم سریع و پشیمانی از تصمیم گرفته شده تذبذب نظام ناپذیری دنیا طلبی تناقض در رفتار، فریب کاری تمرد بر والیان از مختصات کوفیان است بسیاری از نامه‌هایی که به امام حسین (ع) نوشته شد، برخاسته از همین ویژگی‌های روانی بود. آنچه به گوش این مردم کمتر فرو می‌رفت سخنی بود که از واقع بینی و خیرخواهی برمی‌خاست و آنچه را که به گوش جان می‌خریدند، گفتاری بود که عاطفه و احساس را تحریک کند. از پایان خلافت عثمان تا موقعی که مرکز خلافت به بغداد منتقل شد و حتی بعد از آن کوفه آرام نشست هرگاه حاکمی ستم کار و با اقتدار بر سر آنان بود، در خانه‌ها می‌خزیدند و هرگاه ضعف حکومت بر آنان آشکار می‌گشت به دسته‌بندی و توطئه و سرانجام قیام و شورش برمی‌خاستند. کوفه فقط زمانی آرام می‌گرفت که افرادی چون زیاد یا پسرش عبیدالله یا حجاج بن یوسف ثقفی بر آن حکومت می‌کردند، که با سیاست‌خشن و وحشتناک خود نفس‌هایشان را در سینه خفه می‌کردند. بدین گونه فقط استبداد موجب فروکش کردن تنش‌های سیاسی این شهر بود و این ویژگی را در قیام کربلا به روشنی و وضوح می‌بینیم تا وقتی نعمان بن بشیر حاکم سهل گیر بر کوفه حکومت می‌کرد، کوفیان در سر، هوای شورش بر بنی امیه داشتند. ولی وقتی عبیدالله بن زیاد بر آنان وارد شد، اکثر کوفیان از نهضت کنار کشیدند. تعبیرات امیر مؤمنان (ع) نسبت به روحیات کوفیان بسیار گویای واقعیت آنان است امام علی (ع) در قالب خطبه‌ای دوگانگی شخصیت کوفیان و تذبذب آنان را، میان حقیقت و ایمان و نفاق و دورنگی ترسیم می‌کند. محتوای این خطبه چهره جامعه کوفه را می‌نمایاند. در نگاه امام (ع) کوفیان به خواری تن در داده بودند و خواری ایشان را دوایی نبود: «ای مردمی که به تن فراهمید و در خواهش‌ها مخالف همید. سخنانتان تیز، چنان که سنگ خاره را گدازد و کردارتان کند، چنان که دشمن را درباره شما به طمع اندازد...» در خطبه‌ای دیگر امیر مؤمنان روحیات کوفیان را تشبیه به زن حامله‌ای می‌کند

که پس از تحمل درد و رنج دوران حمل در نهایت بچه خود را سقط می‌کند. و بار دیگر آنان را به شتران بی سرپرستی تشبیه می‌کند که هرگاه از یک سو گرد هم آیند از سوی دیگر پراکنده می‌شوند. این روحیه طبیعتاً نمی‌توانست یک والی و زمام دار آرام و اصلاح طلب آن هم پای‌بند به راه‌های منطقی و انسانی را تحمل کند؛ از این روست که امام علی (ع) در اواخر کار، هرچه به این مردم اصرار می‌کند تا علیه شام متحد شوند، آنان حتی برای دفاع از خود عراق نیز تلاشی نمی‌کنند. آن وقت است که زبان ملامت امام علی (ع) به روی آنان گشوده می‌شود: «ای گروهی که وقتی دستوری می‌دهم اطاعت نکرده و وقتی دعوت می‌کنم اجابت نمی‌کنید. شما را به خدا قسم آیا دینی نیست که شما را وحدت بخشد؟ آیا جمعیتی نیست که شما را به خدا تحریک کند؟ آیا تعجب نیست که معاویه ستم‌گران فرومایه را بدون پول فرا می‌خواند و او را متابعت می‌کنند و من شما را دعوت می‌کنم در حالی که باقی مانده اسلام هستید، اما نسبت به هیچ کدام از دستورهای رضایت بخش من تن در نمی‌دهید و علیه هیچ فرمان‌مورد خشم من فراهم نمی‌آیید.» تذبذب کوفیان در قیام کربلا بعد از تسلط عیدالله بن زیاد بر اوضاع کوفه آشکار گردید. این روحیه موجب گردید که اشراف کوفه را در همکاری پنهانی با بنی امیه و نادیده گرفتن عصبیت‌های پیشین تشویق کند. در واقع آن تذبذب و این خیانت را برای سلطه همه جانبه یزید بر کوفه تعامل کارسازی یافتند؛ یعنی تسلط مردی که کوفیان تا دیروز از سر غیرت و حمیت و گاه ایمان و عقدا، او را دشمن خویش می‌شمردند. بلای تسلط ابن زیاد، حاصل تذبذب و سستی اراده‌های کوفیان بود. این روحیه آنان موجب گردید که همه شمشیرها از کوفه بر ضد امام حسین (ع) به حرکت در آید، درحالی که رضای خود مردم در این کار نبود. کلام فرزودق به امام حسین (ع) گویای این روحیه کوفیان است «قلوبهم معک و سیوفهم علیک و «دل‌های آنان با توست ولی شمشیرهایشان بر ضد توست» و یا گفتار دیگرش «أنت أحب الناس الی الناس و القضاء فی السماء والسیوف مع بنی امیه؛ تو محبوب‌ترین مردم در نزد مردم هستی اما قضا در آسمان است و شمشیرها در کنار بنی‌امیه» در توضیح این جمله به گفتار مجمع بن عبدالله العائذی یکی از کوفیانی که به امام ملحق شد، می‌توان استناد کرد که گفت اشراف همگی بر ضد تو هستند، اما بقیه مردم قلوبشان با توست هر چند فردا روی تو شمشیر خواهند کشید.

نقش رئیسان و اشراف قبایل کوفه

کوفه در آغاز، برای استقرار لشکریان مسلمان و مأمور فتوحات در قلمرو ایران ساسانی تأسیس شد، لذا از همان آغاز شمار بسیاری از قبایل گوناگون شمالی و جنوبی در کوفه ساکن شدند. مهاجرت قبایل از شهرهای مختلف از دوران عمر آغاز شد بر خلاف دیگر شهرها که دارای ترکیبی تقریباً یک دست بود، کوفه تنوع جمعیتی و قبیله‌ای داشت نخستین تقسیم‌بندی مردم کوفه به دو گروه کلی نزاری (عرب شمالی و یمنی) (عرب جنوبی) بود. سوی شرق مسجد که مرغوب‌تر بود، یمنی‌ها، و سوی غرب آن نزاری‌ها ساکن شدند. در دوران عمر، کوفه به هفت قبیله یا هفت بخش نظامی تقسیم شد که محل تجمع و بسیج نیروهای نظامی و رسیدگی به حقوق و غنیمت‌های جنگی بود. این گروه بندی مدت نوزده سال ادامه داشت تا زمانی که امیر مؤمنان (ع) در سال ۳۶ هجری به کوفه آمد و تغییرات دیگری در آن داد. امام علی (ع) در حالی که گروه‌ها را در همان هفت گروه نگاه داشت تغییراتی ژرف در ترکیب و صورت خارجی آنان پدید آورد. آخرین تغییر در اداره کوفه چهارده سال بعد، وقتی که زیاد بن ابیه به عنوان والی در سال ۵۰ به کوفه آمد، ایجاد شد. نظام قبیله‌ای که زیاد در کوفه پایه‌گذاری کرده بود، در زمان قیام امام حسین (ع) بود. تغییر شکل در تقسیم‌بندی قبیله‌ها، متناسب با مصالحی بود که حکام در نظر می‌گرفتند. با توجه به ماهیت قبیله‌ای کوفه در بسیاری از موارد، قدرت رئیسان قبایل بیش از قدرت حاکمان شهر بود و همین موجب می‌شد که اغلب حکام ملاحظه رئیسان و بزرگان قبایل را بکنند. در حوادث قبل از قیام کربلا، مثل جنگ صفین صلح امام حسن (ع) و قیام حجرین عدی رهبران قبایل نقش مهمی ایفا کردند. رهبران قبیله‌ای در کوفه در دوران حاکمیت امام علی (ع) چون علاقه‌مند به نگه‌داری و برقراری موقعیت‌های سیاسی و امتیازات انحصاری

اقتصادی بودند و با پیروزی و موفقیت امام (ع) موقعیت آنان در خطر جدی قرار می‌گرفت نسبت به امام علی (ع) بی تفاوت و به سوی معاویه متمایل شدند، زیرا در معاویه تأمین موقعیت‌های ممتاز و منافع بی شمار خود را می‌دیدند. در عین حال این رهبران مردد بودند که آشکارا خود را به معاویه تسلیم کنند و موقعیت جنگ و ستیز خود را از دست بدهند. به همین واسطه بود که به صورت ظاهر، در زمره لشکریان امیرمؤمنان (ع) باقی ماندند، در حالی که بر معاویه فشار می‌آوردند تا امتیازاتشان را تضمین کند. آنان چنین وانمود می‌کردند که از هواداران و حامیان شیعی هستند. همین رهبران قبیله‌ای و طایفه‌ای در دوران کناره‌گیری امام حسن (ع)، وقتی که معاویه بر کوفه استیلا یافت به خدمت‌گزاری در ساخت قدرت ایالت میانجی شدند. اشراف قبیله‌ای در کوفه در دوران معاویه که رویکرد گسترده‌ای به نظام قبیله‌ای داشت موقعیت مهمی در بین مردم خود به دست آوردند. در قیام حجر بن عدی رهبران قبیله‌ای که بعضی نیز از دوستان قدیمی حجر به حساب می‌آمدند، بین او و حاکم کوفه زیاد بن ابیه میانجی شدند. زیاد که نفوذ رهبران قبایل را می‌دانست برای پایان دادن به قیام حجر بن عدی به تطمیع و تهدید اشراف و رهبران قبایل به خصوص یمنی‌ها پرداخت و خطاب به آنان گفت اگر از حمایت حجدست بر ندارید، نیروهای شامی را برای سرکوبی کامل همگی شما فرا می‌خوانم آنان همچنین تهدید شدند که اگر حجر را تسلیم نکنند به مرگ محکوم خواهند شد و اموالشان مصادره خواهد شد. در نهایت زیاد به یاری اشراف قبیله‌ای یاران حجر را پراکنده کرد. نقش دو گانه و خیانت آمیز کوفیان در قیام امام حسین (ع)، ارتباط تنگاتنگی با عمل کرد اشراف و رهبران قبایل دارد. در این حادثه منافع شخصی رهبران قبیله‌ای مورد بهره‌برداری امویان قرار گرفت و آنان را وادار کردند که علیه اصول مذهبی و ارزش‌های دینی خود قیام کنند. بنی امیه هم چنین در این حادثه از رقابت‌های قبیله‌ای به نفع خود سود جست ابن زیاد برای سرکوبی قیام مسلم بن عقیل از نفوذ رئیسان قبایل و اشرافی که خواهان وضع موجود خود بودند و در نتیجه به راحتی در برابر تهدید و تطمیع حکام سرفروم می‌آوردند، بهره گرفت فرهنگ قبیله‌ای حاکم بر جامعه کوفه به گونه‌ای بود که عموم مردم ناچار پیرو اشراف و رئیسان قبایل خود بودند، تعصب و رقابت قبیله‌ای نیز بر این امر دامن می‌زد، به تبلیغات وسیعی انجامید که در پراکندگی مردم از اطراف مسلم نقش مهمی داشت عدم هم‌کاری سران قبایل با مسلم و حتی مخالفت آنان با ایشان حاکی از درک آنان نسبت به مصلحت‌هایی بود که با منافع قبیله‌ای سازگاری بیشتری داشت عبدالله بن حازم ازدی در مورد نقش رئیسان قبایل در پراکنده ساختن همراهان مسلم می‌گوید: «سران قبایل از بالا بر ما ظاهر شدند، کثیر بن شهاب قبل از همه آغاز سخن کرد و گفت ای مردم نزد افراد خودتان روید و به کار شرتاب نیاورید که خویشان را در معرض کشته شدن قرار می‌دهید. سپاهیان یزید در راهند و فرا می‌رسند، امیر قرارنهاد که اگر امشب به جنگ اصرار ورزید و شبان‌گاه نروید، باقی ماندگان شما را از عطا محروم دارد و جنگیانتان را بی‌مقرری در نبرد گاه‌های شام پراکنده سازد، سالم را به جای بیمار بگیرد و حاضر را به جای غایب تا کسی از عصیان گران باقی نماند، مگر این که سزای کار خویش را دیده باشد.» اشرافی که ابن زیاد برای سرکوبی قیام مسلم از آنان سود جست و آنان را نزد قبایل خود فرستاد، تا مردم را از کنار مسلم دور کنند؛ عبارت بودند از: کثیر بن شهاب حارثی محمد بن اشعث بن قیس کندی قعقاع بن شور ذهلی شبت بن ربیع تیمی حجار بن ابجر عجلی و شمر بن ذی الجوشن عامری این اشراف به میان مردم رفتند و مردم را پراکنده کردند. با هم‌دستی اشراف مردم از اطراف مسلم پراکنده می‌شدند. مردان و زنان دست فرزندان و برادران خود را گرفته و آنان را با خود می‌بردند، تا جایی که چون مسلم نماز مغرب خواند، تنها سی نفر همراه وی ماندند و هنوز از مسجد خارج نشده بود که عده همراهانش به کمتر از ده نفر رسید و چون از مسجد بیرون آمد، هیچ کس با وی نبود. در حادثه کربلا هم اشراف یمن و نزاری کوفه برای کشتن امام حسین (ع) بسیج شدند. عبدالله بن زیاد ضمن اعلان حکومت نظامی در کوفه از اشراف و سران کوفه همچون کثیر بن شهاب حارثی محمد بن اشعث کندی قعقاع بن سوید منقری و اسماء بن خارجه فزاری برای بسیج مردم و حرکت آنان به طرف کربلا استفاده کرد. فرماندهی سپاه انبوهی که ابن زیاد برای جنگ با امام حسین بسیج کرد، به عهده جمعی از اشراف و سران قبایل بود. هر کدام از اینان چندین هزار نیرو تحت فرمان داشتند. این فرماندهان

از همان دعوت کنندگان پیمان شکنی بودند که از روی خدعه و مکر، از امام حسین (ع) برای آمدن به کوفه دعوت نمودند و اکنون در صف مقابل امام برای جنگ با ایشان فرمانده سپاه بودند. در روز عاشورا به سید الشهداء (ع) به دروغ پاسخ دادند که «ما نامه نوشتیم ..» امام (ع) درباره آنان فرمود: «آنان از روی خدعه و مکر به قصد نزدیکی به یزید نامه برای من نوشتند.»

وابستگی کوفیان به مقرری و عطا

برقراری مقرری و عطا به خصوص در زمان امویان که بیت المال به صورت یک صندوق خانوادگی در آمده بود و خلیفه به میل و رغبت خویش آن را خرج می کرد، وسیله‌ای برای جلب بیعت و رضایت مردم بود، هم‌چنان که قطع آن نیز یکی از راه‌های ارباب و عقوبت افرادی به شمار می رفت که می خواستند از فرمان خلیفه یا عمال او سرپیچی کنند. به طور قطع افراد نیازمند و یا کسانی که مایل بودند از این درآمد بی در دسر استفاده کنند و یا مقرری خود را بالا ببرند، کم نبودند. مقرری و عطا، بهترین وسیله‌ای بود که امویان با آن می توانستند به این نقاط ضعف افراد دست یابند و موجبات استحکام دولت خود و انقیاد مردم را فراهم نمایند. معاویه بن ابی سفیان ابتدا عطا قبایل یمنی را بسیار کرد، ولی هنگامی که از نفوذ آنان بیم ناک شد، برای ایجاد موازنه قبایل قیسی رقیب را هم با آنان در عطا مساوی گرداند. زیاد بن ابیه وقتی که به ولایت بصره منصوب شد برای استحکام موقعیت خود، عطا اهالی را بیفزود، ولی پس از پا برجا شدن حکومتش هنگامی که مورد تعرض خوارج قرار گرفت و دید مردم در صدد مقابله با آنان نیستند، آنان را به قطع عطا تهدید کرد. در نامه‌هایی هم که کوفیان به امام حسین (ع) می نوشتند، همه شکایت می کردند که یزید بن معاویه عطا را فقط به ثروت مندان و اطرافیان خود می دهد. وابستگی مردم کوفه به مقرری ها و بخشش های مالی می توانست بخشی از آنان را در همراهی با قیام امام حسین مردد کند. ابن زیاد برای جلوگیری از پیوستن کوفیان به مسلم به آنان وعده افزایش مقرری و عطا را می داد. او از رئیسان قبایل خواست که از بالا بر مردم نمودار شوند و به اطاعت کنندگان وعده افزایش (عطا) را بدهند. عبدالله بن حازم می گوید که ابن زیاد برای متفرق کردن افراد از اطراف مسلم به سران قبایل گفت به مردم بگویند اگر امشب پراکنده نشوید و به جنگ اصرار ورزید، باقی ماندگان شما را از عطا و مقرری محروم می دارم ابن زیاد، برای بسیج کوفیان به جنگ با امام حسین (ع) باز از وابستگی مردم به مقرری استفاده کرد. او در سخن رانی خود در مسجد کوفه به مردم وعده افزایش مقرری را، در صورت پیوستن به لشکریان برای کشتن امام حسین (ع)، داد. وابستگی کوفیان به مقرری و عطایای حکومت موجب شد که آنان در خدمت اهداف عبیدالله بن زیاد قرار گیرند و شریک هولناک واقعه کربلا شوند. در روز عاشورا، کوفیان در مقابل پرسش امام حسین (ع) که چرا قصد جنگ و کشتن او را دارید، مسئله ترس از قطع عطایا و مقرری را مطرح کردند. امام (ع) به آنان فرمود: «یا هولاء! اسمعوا یرحمکم الله مالنا و لکم ما هذا بکم یا أهل الکوفه؛ ای مردمان بشنوید، چه چیز بین ما و شماست شما را ای اهل کوفه چه شده است» کوفیان پاسخ دادند: ما در مورد «عطا» می ترسیم امام حسین (ع) پاسخ داد: «ما عندالله من العطاء خیر لکم؛ آنچه در نزد خداست برای شما بهتر است اما کسی به سخن امام (ع) توجه نکرد.»

نتیجه

خیانت کوفیان در برخورد با قیام امام حسین (ع)، نیازمند شناسایی جامعه کوفه از زمان شکل گیری این شهر است چون شهر کوفه تنوع قبیله‌ای داشته رقابت بین قبایل مسئله‌ای بوده که مورد استفاده بنی امیه در مواقع مختلف قرار گرفته است در قیام امام حسین (ع) این مسئله مورد استفاده ابن زیاد که آشنایی کامل نسبت به جامعه کوفی داشت قرار گرفت گرچه در این شهر برخی از قبایل به تشیع شهرت داشتند، اما نمی توان تشیع آنان را به مفهوم تشیع اعتقادی ارزیابی کرد. در حادثه کربلا فقط افراد معدودی وفادار به امام حسین (ع) باقی ماندند. این معدود افراد، کسانی جز شیعیان اعتقادی نبودند. در این جا، استبداد ابن زیاد را هم می باید مد نظر

داشت به صورتی که اگر یکی از رئیس‌ان قبایل هم مخالفتی می‌کرد، افراد قبیله‌اش جرئت حمایت از او را نداشتند. این وضع کوفه اوضاع جدیدی را به وجود آورد که اکثر کوفیان یا در کنار ابن زیاد قرار گرفتند یا برای این که در صف قاتلان امام حسین (ع) قرار نگیرند، مخفی شدند و یا فرار کردند. روحیات خاص کوفیان که برگرفته از نظام قبیله‌ای و بافت شهر کوفه بود، آنان را انسان‌هایی غیر پای بند به تصمیمات خود، زود رنج عجول مذذب بار آورده بود. تذبذب کوفیان موجب گردید، بعد از آن که عبیدالله بن زیاد بر اوضاع مسلط شد، آنان تغییر روش دهند. این روحیه اشراف کوفه را در همکاری پنهانی با بنی امیه و نادیده گرفتن عصیت‌های پیشین تشویق کرد. اشرافیت قبیله‌ای در کوفه که رویکرد گسترده‌ای به نظام قبیله‌ای داشت موقعیت مهمی در بین مردم خود به دست آورده بود. از این موقعیت ابن زیاد در جریان قیام امام حسین (ع) برای پراکندن مردم از اطراف مسلم بن عقیل استفاده کرد. اشراف که خواهان وضع موجود بودند، به راحتی در برابر تطمیع و تهدید ابن زیاد، سر فرود آوردند. وابستگی مردم کوفه به عطا و مقرری و بخشش‌های بنی امیه آنان را در یاری امام حسین (ع) مردد کرد. آنان برای حفظ مقرری خود، درخواست یاری امام حسین (ع) را در روز عاشورا رد کردند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
 و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
 ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۲۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

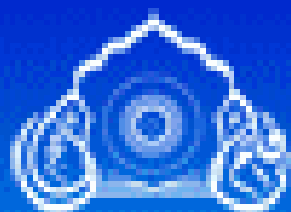
شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-
 ۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

